

کلید واژه:

اسرار نماز، حقیقت، لذت، روح نماز، چشمه زلال

اسرار نماز

مرحوم شهید - رضوان الله تعالی علیه - نقل فرموده است که همواره رسول خدا (ص) بعد از نماز صبح، بین الطلوعین، در مسجد می نشستند و به سؤال های مردم پاسخ می دادند . روزی دو نفر نوبت گرفتند تا سؤالاتی طرح کنند.

حضرت به اولی فرمود: گرچه شما قبل از آن برادر آمده اید لکن نوبتتان را به ایشان بدهید، چون شما اهل کرم و ایثارید و او کار لازمی دارد و عجله دارد . این ادب رعایت نوبت را حضرت در آن جا آموختند . بعد فرمودند: من بگویم شما برای چه آمده اید یا شما می گویید؟ عرض کردند یا رسول الله! شما بفرمایید.

فرمودند: یکی برای یاد گرفتن مسائل حج آمده است و دیگری برای مسائل وضو گرفتن، آن گاه سؤال ها را جواب فرمود:

اما معنای وضو گرفتن

"شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها در وضو، رازی دارد: شستن صورت در وضو یعنی خدایا هر گناهی که با این صورت انجام دادم آن را شست و شو می کنم که با صورت پاک به جانب تو عبادت کنم و با پیشانی پاک سر بر خاک بگذارم . شستن دست ها در وضو یعنی خدایا از گناه دست شستم، و گناهایی را که با دستم مرتکب شده ام، دستم را تطهیر می کنم . مسح سر در وضو یعنی خدایا از هر خیال باطل و هوس خام که در سر پرورانده ام سرم را تطهیر می کنم و آن خیال های باطل را از سر به دور می اندازم . مسح پا یعنی خدایا من از جای بد رفتن پا می کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده ام تطهیر می کنم".

اگر کسی بخواهد نام مبارک حق تعالی را بر زبان آورد، باید دهان را تطهیر کند . مگر می شود انسان با دهان ناشسته نام خدا را ببرد، باید دهان را با آب مضمضه کند و بشوید.

این گوشه ای از اسرار وضو گرفتن است . اگر ما می بینیم از نماز و عبادت لذت نمی بریم برای آن است که به ایناسرار آشنا نیستیم . آنها که از عبادت لذت می برند چیزی را به این عبادت تبدیل و تعویض نمی کنند.

اربعین، شیخ بهایی

مرحوم ابن بابویه نیز از امام هشتم نقل فرموده است که امام رضا - سلام الله علیه - به یکی از شاگردانشان به نام محمد بن سنان مرقوم فرمود: «ان علة الوضوء التي من اجلها صار على العبد غسل الوجه و الذراعين و مسح الراس و القدمين . فليقيامه بين يدي الله تعالى و استقباله اياه بجوارحه الظاهرة و ملاقاته بها الكرام الكائنين . فيغسل الوجه للسجود و الخضوع و يغسل اليدين ليقلبهما و يرغب بهما و يرهب و يتبتل و يمسح الراس و القدمين لانهما ظاهران مكشوفان يستقبل بهما كل حالاته و ليس فيهما من الخضوع و التبتل ما في الوجه و الذراعين . »

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، باب ۱۲، حدیث ۲.

فرمود: سر وضو گرفتن و غسل و مسح این است که انسان با اعضای پاک متوجه خداوند سبحان گردد . آیا می شود انسان با چشم گناه بکند و با همان چشم و صورت متوجه خداوند بشود؟ و اصولا اسرار الهی حقایقی است که:

«لایمسه الا المطهرون»

واقعه (۵۶) آیه ۷۹

اگر حقیقت قرآن را جز افراد باطهارت نمی یابند، حقیقت این عبادات را هم جز افراد پاک نمی یابند . آن گاه عبادت در کام انسان لذت پیدا می کند و هیچ چیزی انسان را به خود مشغول نخواهد کرد.

در این حدیث شریف سخن از ملاقات خدا و استقبال فرشتگان است . انسان ملائکه را می بیند، سخنان آنان را می شنود . این که می بینیم ما نماز می خوانیم و چیزی از نورانیت احساس نمی کنیم برای آن است که نماز را با آداب و اسرار آن نخواندیم.

خاصیت نماز، در معرفت باطن آن است . اگر انسان با این اسرار آشنا شد و آن گاه در راه خدا شربت شهادت نوشید، خون او با دیگر خون ها یکسان نیست.

هر شهیدی آن قدرت را ندارد که نظام اسلامی را تحکیم کند . گاهی هزاران نفر باید شهید شوند تا سدی در برابر سیل بیگانگان باشند، گاهی یک نفر سیل را برمی گرداند . گرچه برای شهید مقامی است بس عظیم، اما همه شهدا در یک درجه نیستند . آن کسی که عارف تر و عالم تر و آگاه تر و با فرشتگان خدا در زمان حیاتش ملاقات ها داشته است، خون او هم مؤثرتر است.

در وضو، شستن صورت با صابون لازم نیست، شستن صورت با نیت لازم است . اگر کسی صورت را با این قصد بشوید که خدایا برای وضو گرفتن و امثال امر تو و نماز خواندن صورتم را از هر گناه شستم و تطهیر کردم که با چهره ای پاک به سوی تو و در خاک تو بیفتم، او به اسرار عبادت پی برده است و با فرشتگان ملاقات کرده و ملاقات می کند . دست ها را می شوید تا با دست پاک خدا را بخواند و به دعا برخیزد؛ و سر و پا را مسح می کند چون در نماز سر او پیداست و پاهای او به طرف قبله است، باید با فکر و پای پاک به طرف خداوند سبحان بایستد و لذت ببرد . این گوشه ای است از آن چه در مورد وضو بیان فرموده اند.

گوشه ای از اسرار نماز

اما نماز، درباره نماز نیز از رسول خدا نقل شده است که فرمودند:

«ما من صلوة يحضر وقتها الا نادى ملك بين يدى الناس: ايها الناس قوموا الى نيرانكم التى اوقدتموها على ظهوركم فاطفئوها بصلاتكم .»

هیچ نمازی نیست مگر آن که در وقت نماز فرشته ای به مردم می گوید ای مردم برخیزید آن آتش هایی که با دست خود بر پشت خود روشن کرده اید با نماز خاموش کنید.

اگر خداوند اهل قسط و عدل را دوست دارد، اهل قسط و ظلم را هم دشمن دارد، و آنها هیزم افروخته جهنم اند . بسیاری از کارهای ماست که به صورت آتش بر دوش، انباشته است و ما احساس نمی کنیم . معلوم می شود اگر کسی نماز خواند نه تنها گرفتار گناهای بعد از نماز نمی شود بلکه آتش هایی را نیز که قبلا روشن کرده است خاموش می کند و می شود «نور» .»

از امام صادق - سلام الله علیه - نقل شده است که اگر خداوند سبحان بخواهد برکتی به انسان مرحمت کند آن را در بهترین حال عطا می فرماید، و بهترین حالت در محراب بودن و در جنگ با دشمن درونی است . خدای سبحان اگر به زکریا، یحیی را مرحمت کرده است در حال عبادت این بشارت به او داده شده است.

«امام صادق علیه السلام فرمود:

ان طاعة الله - عزوجل خدمته فی الارض و لیس شیء من خدمته يعدل الصلوة فمن ثم نادت الملائكة زکریا - علیه السلام - و هو قائم یصلی فی المحراب »

اطاعت خداوند آن است که انسان در زمین، خداوند را خدمت کند و چیزی از خدمت او به اندازه نماز نمی ارزد و به همین جهت بشارت در حال عبادت به زکریا داده شده است.

نماز یک نهر روان و یک چشمه کوثر است، همه آتش های گذشته را خاموش می کند، و هم نمی گذارد انسان بعد از گرفتار آتش شود . هم جلو بدی ها را می گیرد و هم آن بدی های گذشته را از بین می برد . این خاصیت نماز است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر و لذكر الله اکبر والله یعلم ما تصنعون» .»

بیانی از امام صادق - سلام الله علیه - نقل شده است که فرمود:

«اول ما يحاسب به العبد عن الصلوة فاذا قبلت قبل منه سائر عمله و اذا ردت عليه رد عليه سائر عمله . »

اول چیزی که از انسان سوال می کنند نماز است، اگر نماز قبول شد سایر اعمال هم قبول است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، باب ۳۰، حدیث ۵

نماز و نمازگزار را قرآن کریم به خوبی معرفی فرموده است . نمازگزار کسی است که مسائل مالی به عهده او نیست، طمع و آز در درون او نیست . وقتی که طبیعت دنیاپرست انسان را خدای خالق انسان تبیین می کند: «ان الانسان خلق هلوعا; اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخير منوعا» . این مفاسد طبیعت انسان را تشریح می کند آن گاه می فرماید: «الا المصلين. »

نمازگزاران از این رذایل محفوظ اند . معلوم می شود نماز مساله ای است که انسان را از رذایل محفوظ و تطهیر می کند . بنابراین تطهیر انسان از همین نماز خواهد بود، زیرا نماز بسیاری از فضایل را برای انسان تحصیل، و بسیاری از رذایل را برطرف می کند .

باز امام ششم فرمود:

«ان العبد اذا صلى الصلوة في وقتها و حافظ عليها ارتفعت ببضاء نقيه . تقول حفظتني حفظك الله و اذا لم يصلها لوقتها و لم يحافظ عليها ارتفعت سوداء مظلّمة تقول ضيعتني ضيعك الله »

انسان وقتی نماز را در اول وقت خواند، این نماز به صورت یک امر تابان جلوه می کند و می گوید: تو مرا حفظ کردی خدا تو را حفظ کند . (معلوم می شود نماز یک حقیقتی دارد، زنده است، روحی دارد، برای همیشه هست، دعا می کند و دعای نماز هم همیشه مستجاب است . آن روح نماز است) و اگر کسی نماز را نخواند و یا در وقت نخواند، به صورت یک چهره تاریک در می آید و می گوید: تو مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند

من لایحضره الفقیه، ج ۱، باب ۳۰، حدیث ۶

بهترین فرصت در حالات نماز همان حال سجده است که امام صادق سلام الله علیه - فرمودند انسان هر چه به خاک نزدیک می شود به خدا نزدیک تر می شود:

«اقرب ما يكون العبد الى الله - عزوجل - و هو ساجد. »

من لايحضره الفقيه، ج ۱، باب ۳۰، حدیث ۷؛ كما قال الله تعالى: واسجد واقترب

امیر المؤمنین - سلام الله علیه - در نهج البلاغه از رسول الله نقل فرموده است که

حضرت فرمود: من در تعجبم از کسی که چشمه ای بر در منزل اوست و شبانه روز پنج بار در آن چشمه شست و شو می کند مع ذلک آلوده است .

"قال رسول الله - صلى الله عليه و آله و سلمه - : انما مثل الصلوة فيكم كمثل السرى (و هو النهر) على باب احدكم يخرج اليه في اليوم والليل يغتسل منه خمس مرات فلم يبق الدرن مع الغسل خمس مرات و لم تبق الذنوب مع الصلوة خمس مرات"

من لايحضره الفقيه، ج ۱، باب ۳۰، حدیث ۱۹

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم فرمود :

نماز مثل چشمه زلالی است که انسان نمازگزار در این وقت های پنج گانه در آن شست و شو می کند . نماز کوثری است که انسان را تطهیر می کند . قهرا اگر ما از نماز این طهارت را در خود احساس نکردیم باید بپذیریم که آن نماز واقعی را نخوانده ایم . ممکن است نمازمان صحیح باشد، لکن مقبول نیست، زیرا آن نمازی مقبول است که روح انسان را تطهیر کند و با انسان سخن گوید و او را مژده دهد.

از امام صادق سلام الله عليه نقل شده است:

«لا تجتمع الرهبة والرغبة في قلب الا وجبت له الجنة

اگر انسان از خدا ترسید و به خدا علاقه مند بود، بهشت برای او لازم است.»

من لایحضره الفقیه، ج ۱، باب ۳۰، حدیث ۱۱

گاهی انسان خدا را وسیله قرار می دهد که به بهشت برسد، این ناشی از همت های پست است که خدا از آن کراهت دارد . اما زمانی از خدا چیزی نمی طلبد، جز خود خدا را و حب و لقای او را، در این جا خداوند سبحان او را به این نعمت عظیم متعم می کند . فرمود هیچ عیدی نیست که در قلب او رغبت به خدا و ترس از خدا قرار بگیرد، مگر آن که بهشت برای او واجب شود . وقتی که نماز می خوانید با قلب متوجه خداوند سبحان باشید . قلب را انسان وقتی در نماز می تواند مهار کند که چشم و گوش را بیرون نماز مهار کرده باشد . اگر در بیرون نماز و در حالت عادی چشم انسان و گوش وی، یله و رها بود، آن خاطرات ذخیره شده در هنگام نماز مزاحم انسان می شود . ولی اگر در بیرون نماز، چشم و گوشش را حفظ کرد، در نماز دشمن درونی هجوم نمی آورد . مهم آن است که انسان در بیرون نماز، خود را حفظ کند.

به ما فرمودند:

«طهروا افواهکم فانها طرق القرآن»

دهان را پاک کنید زیرا دهان انسان، راه قرآن است.

بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۳؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۲۷۵۱

نه فقط دندان را با مسواک پاک کنید، بلکه دندان و زبان و فضای دهان را هم پاک نگه دارید و هم از گفتن حرف مشکوک بپرهیزید. این دهان را پاک کنید برای این که قرآن باید از این دهان عبور کند. اگر قرآن، که کوثر چشمه زلال است، از یک دهان لایه روبی نشده عبور کند بی اثر است، رنگ می گیرد، بو می پذیرد. چرا باید دهان ها را پاک کنید؟ چون می خواهید قرآن بخوانید و سخن شما در دیگران اثر کند و خودتان هم که می شنوید متاثر شوید.

سپس فرمود: شما اگر با قلبتان متوجه خدای سبحان باشید، او چندین پاداش به شما مرحمت می کند، گذشته از اقبال الهی و گذشته از بهشت، خداوند متعال دل های دیگران را متوجه شما می کند و شما محبوب دل های مردم می شوید. چه ذخیره ای بالاتر از این که دل های مؤمنین به طرف انسان متوجه باشد.

در مشکلات، مؤمنین یار انسان اند. دعای مؤمن نسبت به انسان مؤثر است.

فرمود: خدا قلب های دیگران را متوجه شما می کند. مگر نه آن است که انسان می خواهد محبوب مؤمنین باشد و مؤمنین او را بخواهند و به او علاقه مند باشند، مشکل او را حل کنند، برای او دعا کنند، طلب آمرزش کنند. چه وقت انسان محبوب دل های اهل ایمان می شود؟ چه وقت مؤمنین انسان را می خواهند و می طلبند؟ وقتی که انسان قلبش را متوجه خدا کند، مخصوصاً در حالت نماز.

اگر می بینیم که دل ها متوجه یک مقام اند، این را مقلب القلوب متوجه کرده است. و این راه هم برای دیگران باز است، برای همه ما باز است ولو به مقدار مسیرمان.

فرمودند: هیچ بنده مؤمنی نیست که در نماز قلبش را متوجه خداوند سبحان کند، مگر آن که خدا قلوب مؤمنین را متوجه او می کند، گذشته از آن که او را به بهشت متنعّم و برخوردار خواهد کرد . این خیر دنیا و آخرت است.